

فرهنگ توصیفی اپتیک و اپتومتری

واژگان چشم، عدسی تراشی و عینک‌سازی

غلامرضا مختاری اسکی



انتشارات شباهنگ

■ سوشناسه: مختاری اسکی، غلامرضا، ۱۳۳۸ - ■ عنوان و نام پدیدآورنده: فرهنگ تپ سنجی
اپتیک و اُپتومتری / غلامرضا مختاری اسکی. ■ مشخصات نشر: تهران، شباهنگ، ۱۳۹۶ ■
مشخصات ظاهری: ۲۴۰ ص. : تصویر: رنگی، جدول: رنگی؛ وزیری. ■ وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
ISBN: 978 - 600 - 130 - 166 - 7

■ یادداشت: واژه‌نامه کتابنامه ■ موضوع: بینایی‌سنجی — واژه‌نامه‌ها — فارسی ■ موضوع:
Optometry -- Dictionaries -- Persian ■ موضوع: نورشناسی — واژه‌نامه‌ها — فارسی
■ موضوع: Optics — Dictionaries -- Persian ■ موضوع: بینایی‌سنجی — واژه‌نامه‌ها — انگلیسی
■ موضوع: Optometry -- Dictionaries -- English ■ موضوع: نورشناسی — واژه‌نامه‌ها — انگلیسی
■ موضوع: Optics — Dictionaries -- English ■ موضوع: فارسی — واژه‌نامه‌ها — انگلیسی
■ موضوع: Persian language — Dictionaries — English ■ موضوع: زبان انگلیسی —
واژه‌نامه‌ها — فارسی ■ موضوع: English language — Dictionaries — Persian ■ رده‌بندی
کنگره: ۴۱۳۹۶ ف ۳ م / ۹۳۹ / ۷ RE ■ رده‌بندی دیویی: ۶۱۷/۷۵۰۳۰۹۵۵ ■
■ شماره کتابشناسی ملی: ۵۰۰۹۳۷۶

فرهنگ توصیف - اُپ-اُت و اُپتومتری

واژگان چشم، عدسی تراشی و عکاسی

تألیف غلامرضا مختاری اسکی صفحه‌آرایی کی‌سه جم. م. گلی مطیعی

لیتوگرافی زیتون چاپخانه قدس صحی مرکز

چاپ یکم ۱۳۹۷ شمارگان ۵۰۰

قیمت ۵۰۰۰۰ تومان

شابک ۷ - ۱۶۶ - ۱۳۰ - ۶۰۰ - ۹۷۸

حق چاپ و نشر محفوظ است.



انتشارات شباهنگ

مرکز پخش خیابان انقلاب، خیابان شهدای زاندارمری، پلاک ۴۹،

تلفن ۶-۶۶۹۶۴۲۳۵ فاکس ۶۶۴۶۰۳۶۵

فروشگاه ۱ خیابان انقلاب، روبه‌روی دانشگاه تهران، پلاک ۱۱۹۲، تلفن ۶۶۴۹۱۰۹۸

فروشگاه ۲ خیابان انقلاب، خیابان فروردین، ساختمان ناشران، پلاک ۲۷۳،

تلفن ۱۰ - ۶۶۹۵۳۶۰۹، ۶۶۴۱۳۱۷۵

به نام هستی بخش هر هستی

سخنِ پد . آورنده

حدود سی و شش سال است، به هنگام تحصیل در رشته‌ی فیزیک دانشگاه بر اثر حادثه‌یی به دنیای عینک‌سازی راه یافتم و پس از مدتی عینک‌سازی نسبتاً ماهرى شدم و ضمن سه سال کار در این حرفه، دوره‌یی کوتاه از عدسی‌سازی را نیز گذراندم. سه سال کار در عینک‌سازی آنچه را که به‌طور نظری در زمینه‌ی اپتیک یاد داشتم در بوته‌ی تجربه و عمل جاندارتر و ملموس‌تر ساخت و مرا برای آشنایی بیشتر با دنیای بینایی و عدسی‌سازی و بخش‌های مرتبط با آنها برانگیخت. به یاد دارم که در همان زمان همزمان با رای مطالعه‌ی بیشتر در زمینه‌ی اپتیک و کاربرد آن در عینک‌سازی یا شرکت در آزمون‌های مربوطه دچار مشکلات فراوانی بودند. اگر می‌خواستند غنای بیشتری به درک خود از مفاهیمی مثل کژراهی، آستیگماتیسم، کوما، کژراهی کروی یا کژراهی رنگی ببخشند و تفاوت‌هایشان را بهتر درک کنند، باید جزءه‌های کوچک و ناقصی را همچون گنجی کم‌یاب دست‌به‌دست می‌کردند و پس از بحث در جاهای بی‌ثمر سرانجام ناگزیر به از برگردن تعاریف، بدون درک‌شان می‌شدند و شگفت آنکه منتظر می‌رسید که حتی پدیدآورندگان آن جزوات نیز اشراف کاملی به آن مفاهیم و تفاوت‌های بین‌الذات نداشته‌اند و بدون درک آنها از متونی ترجمه یا گپی کرده بودند. همه‌ی آنان ناخودآگاه به دنبال مرزهای مشخص به نام فرهنگ نور و بینایی‌سنجی بودند که اینک نیز با وجود گذشت سی سال هنوز جای در کشور ما، مثل هر فرهنگ تخصصی دیگر در زمینه‌های گوناگون، به شدت خالی است. خالی بودن جای فرهنگ اپتیک و اپتومتری نه تنها در بین عدسی‌سازان و عینک‌سازان، بلکه با توجه به گسترش رشته‌های بینایی‌سنجی و توسعه‌ی کارگاه‌های عدسی‌سازی، اکنون حتی بیشتر احساس می‌شود. برای محققى که بخواهد در زمینه‌ی مفاهیم بینایی‌سنجی و عدسی‌سازی و به‌طور کلی اپتیک تحقیق کند، اولین گام، درک مفاهیمی است که با آنها سروکار دارد. اگر بخواهد در منابع جهانی جستجو و تحقیق کند، اولین گام، دانستن معادل درست لاتین آن مفاهیم است. البته فرهنگ اپتیک و اپتومتری تنها یک واژه‌نامه یا دیکشنری ساده‌ی انگلیسی به فارسی یا فارسی به انگلیسی نیست بلکه مرجعی است مطمئن که تعریف مترایم و دقیق هر مفهوم را همراه با معادل درست لاتین آن به مخاطب می‌رساند تا مخاطب، اگر بخواهد بتواند به یاری آن قدم‌های آتی را برای تعمیق مفهوم یا مفاهیم

تحقیقی خود بردارد. بنابراین هر فرهنگ تخصصی نه تنها یکی از صدها چراغ و مرجع مطمئن روشن‌گری مؤلف یا محقق است بلکه تابلوی راهنمایی است برای هدایت او به تحقیق بیشتر. گسترش فرهنگ‌نویسی و تولید فرهنگ‌های پرشمار حتی در یک زمینه تخصصی به معنی کمک به مخاطب و نورافکندن به ذهن او از زاویه‌ها و جوانب مختلف است. نتیجه اینکه وجود یک یا دو فرهنگ تخصصی کافی نیست و سرمایه‌گذاری جدی، نه تنها در زمینه فرهنگ‌نویسی، بلکه در زمینه گسترش فرهنگ مراجعه به فرهنگ‌ها و کتب مرجع مشابه برای رشد علمی و صنعتی و فرهنگی کشورمان الزامی است. اگر واقعاً می‌خواهیم هویت خود را حفظ کنیم، باید سهمی در تولید علم و دانش در جامعه‌ی بشری داشته باشیم و در عین یاری جستن از منابع جهانی، خود نیز با تولید منابع مستقل، بر شمار منابع جهانی بیافزاییم و یاور خود و دیگران باشیم. گسترش علم و تکنولوژی و رشد نگرش جمعی بشر بسیاری از مفاهیم پیشین را دگرگون کرده است. شاید چند دهه پیش هنوز تالیف یک اثر علمی، بدون ذکر منابع و اسناد و صرفاً با تکیه بر دانش و مدارج علمی مؤلف پذیرفتنی بود ولی اینک با دگرگون شدن مفهوم تالیف، دیگر نمی‌توان ارزشی برای یک اثر بدون منبع حتی اگر مؤلف آن بالاترین مدارج علمی را داشته باشد قائل شد.

با تجربه‌یی که در زمینه‌ی فیزیک پایه - اولین فرهنگ توصیفی - تالیفی فیزیک به زبان فارسی و نیز فرهنگ ریاضیات پایه - هشتم، بر آن شدم که قدم در راه تالیف فرهنگی مشابه ولی کامل‌تر در زمینه‌ی نور و بینایی‌سنجی - فرهنگ جامع که هم مثل فرهنگ‌های پیشین مستقل و تالیفی و متکی بر نظرات منابع گسترده - متبر علمی باشد و هم از ابزارهای نوین ارتباطی مثل رایانه و اینترنت برای مستندتر کردن سرد بهره‌جو - انجام این مهم بیش از پانزده سال از عمر مرا به خود مشغول کرد. اینترنت اجازه داد تا در این پانزده سال با فرهیخته‌ترین دانشمندان فیزیک و نور ارتباط علمی دوسویه برقرار کنم و از مقالات برجسته‌ترین چشم‌پزشکان و صنعت‌گران عینک و عدسی دنیا بهره‌مند شوم و هزاران منبع علمی را جستجو کنم.

با وجود این همه منبع و یاور، من به عنوان مؤلف اثر هرگز مسئولیت تالیف را با ترجمه‌یی صرف یا کپی زیرکانه‌ی آثار دیگران و تزریق آن به اثر پس از آراشی گم‌کننده تحقیر و کوچک نکردم. هرگز هیچ تعریف و توصیفی را بدون درک عمیق مفاهیم ربط با آن یا اطلاع کامل از درستی آن وارد نکردم و هرگز هیچ تعریف و توصیف خود را - حتی در سطح جامعه‌یور - از آنرا - قبل از گرفتن سندی مکتوب به فرهنگ تحمیل ننمودم. همه‌ی تلاش من این بود که نقطه‌ی شروع تحقیق خود را بر آن مفاهیمی قرار دهم که غامض و دشوار می‌نمایند. با لجاجت بر گشودن آن، حتی به قیمت چندین هفته توقف بر سر آن مداخل اصرار کردم و تا خود درک روشنی از آن نیافتم و سندی نیز برای تأیید پندار خود نجستم برای نوشتن تعریف اقدام نکردم. بر این اعتقاد بودم و هستم که وظیفه‌ی اصلی یک فرهنگ‌نویس، روشن کردن همین تاریکی‌ها برای محققانی است که در حوزه‌های در بردارنده‌ی این مفاهیم گام بر می‌دارند و جهیدن از روی این مفاهیم یا گذراندن آنها با جمله‌پردازی‌های زیرکانه نتیجه‌یی جز بی‌ارزش کردن فرهنگ ندارد.

برای بسیاری از اصطلاحات و واژه‌های متداول در میان عینک‌سازان و اپتومترها مرادف‌های بهتر و مناسب‌تری می‌توان برگزید ولی گزیش آنها در فرهنگ به علت نامتداول و نامأنوس بودنشان

چندان مناسب نیست. به همین دلیل سعی کردم اصل و مبنا را بر همان اصطلاحات متداول قرار دهم و مرادف‌های مناسب‌تر را به عنوان یاور در کنار آنها بنشانم مگر آنکه واقعاً معادل متداولی برای آن واژه نیابم یا اصطلاح متداول در زبان فارسی به شدت با مفهوم واقعی آن مغایرت داشته باشد.

فرهنگ حاضر طیف وسیعی از واژگان و اصطلاحات حوزه‌های مختلف مرتبط با نور مثل فیزیک نور، بینایی‌سنجی، عینک‌سازی و عدسی‌سازی را در بر می‌گیرد. بسیاری از واژگان مستقیماً در ارتباط با این حوزه‌ها هستند ولی بسیاری از واژگان دیگر برای بسته بودن فرهنگ الزامی‌اند و نمی‌توان از آنها چشم‌پوشی کرد.

از میان عناصر شیمیایی سعی بر تعریف عناصری بوده که به نحوی در ارتباط با اپتیک باشند یا در کاربرد اپتیک داشته باشند با این حال نمی‌توان از عناصر رادیواکتیوی مثل رادن یا رادیوم که کاربرد مستقیمی در اپتیک ندارند، به علت تابش‌های الکترومغناطیسی‌شان که از نوع نور مرئی است و در عین‌نگاری، طیف‌سنجی و تلسکوپ به‌ویژه رادیوتلسکوپ اهمیت بسیار دارند چشم‌پوشی کرد.

سبک تألیف و ویرایش علمی و زبانی فرهنگ اپتیک و اپتومتری، مشابه دیگر آثار مؤلف یعنی فرهنگ فیزیک پایه و فرهنگ ریاضیات پایه است و مؤلف کوشیده است تا جایی که مغایرت آشکار با سبک ویرایش انتشارات شهاب‌نگ نداشته باشد از آن پیروی کند. تهیه یا ترسیم و آمایش تصاویر، همراه با درج متون مناسب برای معرفی اجزای آنها نیز توسط مؤلف انجام شده است. مراحل پایانی کار اعم از صفحه‌آرایی، درج و تنظیم تصاویر در متن کتاب، ویرایش تکمیلی فونت‌ها و تصحیح اشکالات تایپی فراوان متن توسط انتشارات شهاب‌نگ به انجام رسیده است که از این نظر باید قبل از همه، از آقای کاظم احمدزاده که به همه‌ی مراحل آمایش کتاب نظارت داشتند و پیشنهادهای مفیدی درباره‌ی صفحه‌آرایی، کیفیت تصاویر، عنوان کتاب و سایر موارد ارائه دادند و نیز همکاران شهاب‌نگ، خانم گلی مطیع و نیلوا سمیعی مقدم که صفحه‌آرایی و تصحیح متن را به عهده داشتند.

فهرست مهم‌ترین منابع را در پایان کتاب آوردم و برای هر منبع مثال‌هایی را معرفی کردم تا میزان و نحوه استفاده‌ی من از آن منبع تا حد ممکن آشکار گردد. امیدوارم این فرهنگ تألیفی - توصیفی اپتیک و اپتومتری بتواند الهام‌بخش دیگر یاران برای ورود به عرصه‌ی فرهنگ‌نویسی باشد.